

در قسمت ششم حافظه نوشتاری نداشته پس چطور توانستی جلوی

دوربین نقش بازی کنی؟

یکی از عزیزترین دوستانم در تمام این ایام به من کمک کرد و دیالوگ‌ها را به صورت کلمه به کلمه برایم می‌خواند تا من از طریق شنیدن سعی می‌کردم حفظ کنم و نقشم را اجرا کنم. این دوران یکی از عجیب‌ترین پروسه‌های زندگی من بود چرا که وقتی کلمه‌ای را حفظ می‌کردم بعد از ۳ ثانیه آن را فراموش می‌کردم.

پس ما در قسمت ششم با هزیر سام احمدی متفاوتی روبرو بودیم؟

من در آن دوران ایمان آوردم که خدا آدم‌ها را بغل می‌کند، آن بازی حاصل سال‌ها رویا بافی، امید، آرزو و تلاش بود، اگر اغراق نباشد عشق به سینما سرپایم کرد.

خانم الناز شاکر دوست هم حادثه مشابهی را تجربه کرده و خدا را شکر سلامت و سر حال است. من هم در نهایت شکرگذارم که از این ماجرا جان به در بردم

